

بررسی ویژگی‌های روانشناختی مهاجران

محمد باقر ناصری

مقدمه:

مهاجران یک نمونه تصادفی از جمعیت مبدأ نیستند. این فرضیه که دیرزمانی است در کانون توجه بسیاری از محققان قرار گرفته، بیان می‌کند که برخی از انسانها نسبت به پاره‌ای دیگر، تمایل^(۱) بیشتری به مهاجرت نشان می‌دهند. از زمانی که روانشناسان در قرن نوزدهم برای اولین بار قوانین مهاجرت را مطرح ساخت، تا به امروز، تحقیقات فراوانی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت صورت گرفته و اینک، ادبیات این شاخه از علم، آکنده از شواهد و نیز قواعدی است که در این زمینه یافته شده است. نتیجه یافته‌های مذکور حاکی از آن است که «خصوصیاتی وجود دارند که در مقابل تغییر ایستادگی می‌کنند - تغییر مسکن به اضافه تغییرات دیگر - و خصوصیاتی نیز وجود دارند که از تغییر به‌خاطر تغییر به‌نجوی استقبال می‌کنند. برای بعضی از افراد می‌باید مهاجرت دلایل جبری وجود داشته باشد، درحالی‌که برای برخی دیگر کمی تحریک^(۲) یا وعده^(۳) کفایت می‌کند». (۱) به‌عنوان مثال این امر مسلم گشته که ساخت سنی مهاجران، جوانتر از ساخت سنی جامعه مبدأ است. در اغلب موارد سن مهاجران بین ۱۵ تا ۳۵ سال گزارش شده است. (۲) در تبیین علت تمایل افزونتر جوانان به مهاجرت، تودارو، براین باور است که با کاهش سن و بالطبع افزایش درآمد مورد انتظار مهاجرت، افزایش می‌یابد. (۳) برخی دیگر نیز پایین‌بودن هزینه‌های روانی مهاجرت را برای جوانان علت مهاجرت بیشتر این گروه دانسته‌اند.

بررسی عوامل جمعیت‌شناختی یا جامعه‌شناختی که می‌توانند بر تمایل به مهاجرت تاثیر گذارند موضوع این مقاله نبوده و در این خصوص می‌توان به شرح جامعی که توسط شاووکا نل فراهم شده رجوع کرد. (۴) در واقع، فرض اصلی این تحقیق، وجود تفاوت‌هایی معنی‌دار بین صفات شخصیتی مهاجرین و جامعه مبدأ است. تصور می‌شود که پاره‌ای از صفات شخصیتی آستانه تحریک‌پذیری افراد (مهاجران بالقوه) را نسبت به محرک‌های مهاجرت کاهش داده و در نتیجه، چنین افرادی با سهولت بیشتری اقدام به

1. Propensity.

2. Provocation.

3. Promise.

مهاجرت می‌کنند. چنانچه این فرضیه صحت داشته باشد می‌باید توزیع برخی از صفات شخصیتی مهاجران تفاوت معنی‌داری با توزیع صفات در جامعه مبدأ داشته باشد.

بایه‌های نظری:

جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان ویژگیهای روانشناختی مهاجران را کمتر بررسی کرده‌اند. نظریات و فرضیات مطرح شده نیز اغلب از یک حدس و گمان تیزبینانه فراتر نرفته و به‌صورت آزمون نشده فرو گذاشته شده‌اند.

در میان نظریه‌پردازان مهاجرت، تودارو درزمره کسانی است که به‌صراحت از نقش عوامل روانی در افزایش تمایل به مهاجرت سخن گفته است. تودارو این فرضیه را مطرح می‌سازد که افراد محافظه‌کار بسیار دیرتر از افراد خطرگو به عامل درآمد مورد انتظار پاسخ داده و اقدام به مهاجرت می‌کنند. (۵) از این رو، بزعم تودارو، در میان مهاجران افراد خطرگو می‌بایست بیش از جامعه مبدأ باشد.

اندیشمندان دیگری نیز بوده‌اند که در این مورد نظریاتی ابراز کرده‌اند. آلدوس هاکسلی (۶)، نویسنده انگلوساکسون، بر این باور است که روستاییان محروم از استعدادهای ذهنی کمتر به محرکهای مهاجرت پاسخ می‌دهند و ژان پتیه (۷) به نقل از مؤلفی دیگر می‌نویسد: «مهاجران عمدتاً از سه طبقه هستند: اول، افراد عصبی که می‌خواهند به هر تریبی که شده وضع موجود را عوض کنند. دوم، کسانی که در آنها قدرت رهبری نهفته است و گروه سوم، جاه‌طلبان هستند». (۸) از آنچه آمد تنها بخشی از نظریات موجود در خصوص موضوع مورد مطالعه است. بی‌شک، کنکاش بیشتر به کشف ایده‌های جالب‌تری منتهی خواهد شد. با این حال، از آنجا که این نوشتار در پی بررسی نظریات مطرح شده در این باب نیست، به همین اندک، بسنده کرده و پس از بیان متدولوژی تحقیق به تشریح نتایج به‌دست آمده پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق:

این تحقیق از نوع میدانی بوده و در شهر بندرعباس (سال ۱۳۷۱) بر روی نیروهای متخصص (دیپلم و بالاتر)، شاغل در یکی از سازمانها، ارگانها و یا شرکتهای دولتی انجام شده است. عنوان مهاجر در این تحقیق به غیر بومیها اطلاق شده که پس از فروردین سال ۱۳۶۵ و به‌صورت داوطلبانه به شهر بندرعباس مهاجرت کرده و در یکی از نهادهای دولتی شاغل شده‌اند. براین مبنا بدوآ فهرستی از کلیه

کارکنان دولتی تهیه شد که در آن افراد برحسب محل تولد (بومی، غیربومی) و زمان شروع به کار در شهر بندرعباس، طبقه‌بندی شده بودند. در اولین قدم، برای تهیه محدوده جامعه آماری، غیربومیان به‌طورکلی حذف و بومیانی که قبل از سال ۱۳۶۵ در بندرعباس آغاز به کار کرده بودند از فهرست کنار گذاشته شدند. در مرحله بعد، بر مبنای اظهارات پاسخگویان کلیه مهاجرین اجباری (غیر داوطلبانه) از فهرست خارج شدند. لازم به ذکر است که اغلب نیروهای متخصص شاغل در وزارتخانه‌های بهداشت و درمان و جهادسازندگی جزء مهاجرین اجباری بوده‌اند لذا در نمونه مورد مطالعه جای نگرفته‌اند. در نهایت امر، تنها ۷۳ نفر دارای معیارهای منطبق بر جامعه آماری بودند و از آنجا که حجم جامعه آماری در آن حد بود که بتوان تمامی آنرا پوشش داد، لذا، اقدام به نمونه‌گیری نشده و حجم نمونه برابر با حجم جامعه آماری انتخاب گردید.

ابزار سنجش:

تاکنون طُرق گوناگونی برای سنجش و اندازه‌گیری صفات و تیپهای شخصیتی ابداع شده است. برخی از این روشها همچون آزمونهای فرانکن رورشاخ (۹) به نتایج دقیق کمی نمی‌انجامد. (۱۰) آیزنگ این نوع آزمونها را به‌خاطر دخالت ذهنیت شخص مفسر، سخت به باد انتقاد می‌گیرد. (۱۱) از آنجا که هدف تحقیق حاضر سنجش کمی صفات شخصیت بوده، لذا، از پرسشنامه شخصیتی «برن ریتر» (۱۲) که ازجمله معتبرترین ابزار سنجش این گونه صفات است سود برده شده است. (۱۳) این پرسشنامه شش صفت شخصیتی را به‌طور همزمان مورد سنجش قرار می‌دهد. این صفات عبارتند از:

۱. تمایل به عصبی بودن (۱۴) (B1-N)
۲. درون‌گرایی - برون‌گرایی (B2-s)
۳. باخود بودن (۱۵) (B3-1)
۴. سفسطه‌جویی - سلطه‌پذیری (B4-D)
۵. اعتماد به نفس (F1-c)
۶. اجتماعی بودن (F2-S)

به‌لحاظ آنکه، به‌نظر نمی‌رسید رابطه‌ای منطقی بین صفت باخود بودن و تمایل به مهاجرت وجود داشته باشد، نتایج حاصل از آن مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. برای تفسیر ارقام به‌دست آمده از تست، باید آنرا با ارقام جامعه نرم یا استاندارد مقایسه کرد. در اینجا، جامعه نرم در واقع همان جامعه

مبدأ برای مهاجران می‌باشد. اما از آنجا که، این تست نیز همچون بسیاری از تستهای معتبر دیگر برای جامعه ایران استاندارد نشده است؛ لذا به‌ناچار از نرم‌های مربوط به جوامع غربی جهت مقایسه استفاده شده است. این نرم‌ها که با نمادهای A و B در جدول ۱ نشان داده شده‌اند به‌ترتیب متعلق به کشور فرانسه و آمریکا می‌باشند. (۱۶)

نتایج تحقیق:

همان‌گونه که گفته شد، تست برن ریتر، برای هر صفت شخصیتی، کمیتی را به دست می‌دهد. در جدول ۱ می‌توان میانگین نمرات به‌دست آمده برای پنج صفت شخصیتی متعلق به نمونه مورد مطالعه را مشاهده کرد. همچنین میانگین نمرات این صفات در دو جامعه نرم A و B نیز در همین جدول منعکس می‌باشد. به‌طور کلی فرض شده است که میانگین نمرات صفات شخصیتی مذکور در جوامع نرم، با جامعه مبدأ مهاجرین، تفاوت معنی‌داری ندارد. براساس آنچه تاکنون گفته شد، اینک می‌توان به تشریح نتایج به‌دست آمده از سنجش هر کدام از صفات شخصیتی در نمونه مورد مطالعه (مهاجران) و مقایسه آن با جامعه نرم (به‌طور اخص، جامعه نرم A و به تعبیر دیگر جامعه مبدأ مهاجران) پرداخت.

۱. درون‌گرایی - برون‌گرایی:

نتایج به‌دست آمده از بررسی این صفت در میان مهاجرین، نشان داد که این عده برون‌گراتر از جامعه مبدأ هستند. میانگین صفت شخصیتی مذکور، برای جمعیت نمونه، ۱۳/۴۹ - به دست آمده که کمتر از میانگین مربوط به جامعه نرم A با ۴۰/۵ و جامعه نرم B با ۳۲/۳ است. بر طبق راهنمای تست، اشخاصی که در این مقیاس نمره بالایی به دست می‌آورند تمایل به درون‌گرایی داشته و کسانی که نمره پایینی اخذ می‌کنند برون‌گرا هستند. آزمون T بین میانگین صفت مورد مطالعه در نمونه و جامعه نرم A تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد. (جدول شماره ۱)

جی-جی-یونی (۱۷)، تقریباً اولین کسی است که شخصیت را به دو تیپ درون‌گرا و برون‌گرا تقسیم‌بندی کرده است. وی تیپ اول را متمایل به اسکیزوفرنی و تیپ دوم را متمایل به هیستری (۱۸) می‌دانست. در بیان خصوصیات برون‌گرایان، می‌توان گفت که این گروه مردمی خونگرم، زود آشنا، اهل معاشرت و گفت و شنود هستند. این عده، بیشتر به سیر آفاق و انفس می‌پردازند. به اشخاص و اشیا به آسانی دل می‌بندند و به آسانی هم دل برمی‌کنند؛ عمل را دوست می‌دارند و به سرعت و سهولت عزم

جدول شماره ۱. شاخصهای میانگین، انحراف استاندارد و آزمون T
برای ۵ صفت شخصیتی مورد مطالعه در جوامع نرم و جمعیت نمونه

آزمون میانگین نمونه و جامعه نرم A	انحراف استاندارد	میانگین	جامعه	صفت شخصیتی
-	۵۵/۱۷	-۲۷/۸۶	جمعیت نمونه	تمایل به عصبی بودن (B ₁ -N)
۴/۸۲۴	۷۲/۱	-۶۵/۹	جامعه نرم A	
-	۶۹	-۶۳/۹	جامعه نرم B	
-	۳۷/۸۱	-۱۳/۴۹	جمعیت نمونه	درون‌گرایی - برون‌گرایی (B ₂ -S)
-۹/۶۳۲	۵۴/۷	۴۰/۵	جامعه نرم A	
-	۵۰	۳۲/۳	جامعه نرم B	
-	۴۱/۱۸	۱۱/۰۸	جمعیت نمونه	سلطه‌جویی - سلطه‌پذیری (B ₄ -D)
-۴/۹۵۳	۵۷	۴۰/۸	جامعه نرم A	
-	۵۸	۵۲/۹	جامعه نرم B	
-	۶۰/۸	۶۱۸/۶۴	جمعیت نمونه	اعتماد به نفس (F ₁ -C)
۵/۷۴۵	۷۶/۵	-۳۰/۷	جامعه نرم A	
-	۸۱/۲۰	-۵۳/۴	جامعه نرم B	
-	۴۶/۹۲	-۳۸/۲۶	جمعیت نمونه	اجتماعی بودن (F ₂ -S)
-۳/۴۵	۶۴/۵	-۱۴/۷	جامعه نرم A	
-	۵۵/۶	۱۲	جامعه نرم B	

می‌کنند، و تصمیم می‌گیرند (۱۹) دو ویژگی آخر بخصوص عملگرایی افراد برون‌گرا، می‌تواند برون‌گراتر بودن مهاجرین نسبت به جامعه مبدأ (جامعه نرم) را توجیه کند.

آیزنگ افراد برون‌گرا را واجد صفت «خطرپذیری» دانسته و می‌نویسد: آنها معتقدند که کمی خطر مزه زندگی است و نوعاً قماربازند. (۲۰) شلدن (۲۱) در نظریه سرشتی خود، افراد برون‌نگر را در گروه سوماتوتونیا و افراد درون‌گرا را در گروه سربروتونیا (۲۲) جای می‌دهد. از نظر وی، برخی از صفات گروه

سوماتونونیا عبارت است از علاقمندی به ماجراها و فعالیتهای بدنی، عشق به کارهای خطرناک و حوادث غیرمنتظره و رفتار بی‌باکانه. (۲۳) به نظر می‌رسد که چنین خصایصی لازمه مهاجرت هستند. لذا، برون‌گراتر بودن مهاجرین نسبت به جمعیت جامعه مبدأ امری منطقی و قابل توجیه خواهد بود.

۲. تمایل به عصبی بودن: (۱)

مهاجران مورد مطالعه نوروتیک‌تراز جامعه نرم A, B هستند. میانگین به‌دست آمده برای مهاجران از این صفت برابر با ۲۷/۸۶- برای جامعه نرم A برابر با ۶۵/۹- و برای جامعه نرم B برابر با ۶۳/۹- است. مطابق با راهنمای تست، اشخاصی که در این مقیاس نمره بالایی می‌گیرند از نظر هیجانی بودن تمایل به بی‌ثباتی دارند و افرادی که نمره پایینی به‌دست می‌آورند از نظر هیجانی بودن تعادل بسیار خوبی را نشان می‌دهند.

عدم ثبات هیجانی و سهولت تحریک‌پذیری افراد نوروتیک، می‌تواند تبیین‌کننده نوروتیک‌تر بودن مهاجرین نسبت به جامعه مبدأ باشد. به نظر می‌رسد که افراد نوروتیک به‌سرعت در مقابل محرکها و عوامل مهاجرت عکس‌العمل نشان داده و اقدام به مهاجرت می‌کنند. در عین حال ممکن است حالت‌های تعدیل یافته‌ای از نوروژ (۲) علامتی فیوگ (۲۴) در مهاجرت بیشتر شخصیت‌های نوروتیک مؤثر باشد. این نوروژ یکی از انواع فراموشی مرضی (آمنزیا) (۲۵) است، که به‌صورت فراموشی توام با فرار از شرایط تعریف می‌شود. در چنین شرایطی، فرد گذشته خود را به‌طور کلی فراموش می‌کند و در مکان جدید با نامی جدید و حتی ممکن است با خانواده‌ای جدید شروع به زندگی کند. همان‌طوری‌که گفته شد: ممکن است حالت‌های بسیار خفیفی از این نوروژ در مهاجرت شخصیت‌های نوروتیک مؤثر باشد، بی‌آنکه این افراد لزوماً بیمار روانی تلقی شوند.

۳. اجتماعی بودن:

از نظر آماری این صفت همبستگی بالایی را با صفت برون‌گرایی نشان می‌دهد (۲۶) لذا، همان‌طور که انتظار می‌رفت بررسی صفت شخصیتی اجتماعی بودن، مهاجران را اجتماعی‌تراز جامعه مبدأ نشان داد. میانگین به‌دست آمده برای صفت مذکور در میان مهاجرین مورد مطالعه برابر با ۳۸/۲۶- بوده که از

میانگین‌های ذکر شده برای جوامع نرم A و B به ترتیب با ۱۴/۷- و ۱۲ پایین‌تر می‌باشد. آزمون T تفاوت مشاهده شده را به لحاظ آماری معنی‌دار نشان می‌دهد. در راهنمای تست آمده است، کسانی که در این مقیاس نمره بالایی به دست می‌آورند به غیراجتماعی بودن، تنهایی یا استقلال‌طلبی تمایل دارند. آنهایی که نمره پایینی کسب می‌کنند به اجتماعی بودن و زندگی گروهی داشتن تمایل نشان می‌دهند. همان‌گونه که در روش تفهیمی "وبر" برای شناخت پدیده‌های انسانی پیشنهاد شده، رابطه اجتماعی‌تر بودن و تمایل بیشتر به مهاجرت بی‌واسطه قابل فهم است. در عین حال در این مورد نیز با توجه به همبستگی بالایی که بین این صفت و صفت برون‌گرایی وجود دارد، همان صفاتی که با تیپ شخصیتی برون‌گرا همبسته بودند، مجدداً حضور داشته و موجب تمایل بیشتر مهاجران بالقوه اجتماعی‌تر، به مهاجرت می‌شوند.

۴. سلطه‌جویی - سلطه‌پذیری:

شاید، در وهله اول چنین به نظر آید که مهاجران باید عمدتاً افرادی سلطه‌جو باشند. اما شواهد به دست آمده از این تحقیق مهاجران را مردمی سلطه‌پذیر معرفی می‌کند. میانگین نمونه مورد مطالعه از این صفت ۱۱/۰۸، میانگین جامعه نرم A ۴۰/۸ و میانگین جامعه نرم B ۵۳/۹ است. به‌طور کلی اشخاصی که در این مقیاس نمره بالایی به دست می‌آورند؛ در ارتباط با دیگران تمایل به سلطه‌جویی دارند و اشخاصی که نمره پایینی کسب می‌کنند، تمایل دارند تحت سلطه دیگران باشند. آزمون T تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های نمونه مورد مطالعه و جامعه نرم A را به لحاظ آماری معنی‌دار نشان می‌دهد. در تبیین این مشاهده می‌توان گفت که منطقاً افراد سلطه‌جو در مبدأ می‌باید، از پیشرفت خوبی برخوردار باشند. چنین افرادی می‌توانند امور را بر فوق خواست خود تغییر داده، اراده و میل خود را بر محیطی که در آن زندگی و کار می‌کنند حاکم سازند. بنابراین، دلیلی وجود ندارد که این گروه برای یافتن موفقیت‌های بهتر و برتر دست به مهاجرت بزنند. در مجموع، به نظر می‌رسد که افراد سلطه‌پذیر که به دلیل رقابت فشرده در مبدأ نتوانسته‌اند از موفقیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی بهره‌مند شوند، بیشتر اقدام به مهاجرت می‌کنند.

۵. اعتماد به نفس:

صفت اعتماد به نفس در راهنمای تست چنین تعریف شده است: اشخاصی که از این مقیاس نمره

بالایی به دست می آورند به طور اغراق آمیز، خجالتی و کمرو هستند و تقریباً دارای احساس کهنتری و حقارت می باشند. این افراد تصور ناخوشایندی از خود داشته و به رنج بردن از احساس خودکم بینی گرایش دارند. کسانی که نمره پایینی کسب کنند به مقدار زیادی اعتماد به نفس داشته و تقریباً بخوبی با محیط سازگار می شوند. (۲۷)

میانگین به دست آمده برای این صفت، در نمونه مورد مطالعه، برابر با $۱۸/۶۴$ ، برای جامعه نرم A برابر با $۳۰/۷$ - و برای جامعه نرم B برابر با $۵۳/۴$ - می باشد. آزمون T تفاوت مشاهده شده بین میانگین های نمونه و جامعه نرم را به لحاظ آماری معنی دار نشان می دهد. بدین ترتیب ملاحظه می شود که نمونه مورد مطالعه مهاجرین نسبت به جامعه نرم A و به تعبیر دیگر، جامعه مبدأ از اعتماد به نفس کمتری برخوردار می باشند.

مطابق با تبیینی که برای مهاجرت بیشتر افراد سلطه پذیر عنوان شد، در این مورد نیز، به نظر می رسد که کسانی که از اعتماد به نفس بالایی برخوردار هستند به خوبی با محیط سازگاری پیدا کرده و به موفقیت های شغلی و مالی مطلوب خود دست می یابند. در مقابل، افرادی که از اعتماد به نفس کمتری برخوردار بوده و نتوانسته اند با محیط مبدأ انطباق یابند به مقاصدی که در آنها رقابت مالی و شغلی کمتر است (در این مورد خاص مهاجرت به مناطق محروم) مهاجرت می کنند. زیرا، در آنجا به واسطه برتری های نسبی که دارند (تخصص در مورد مهاجرین مورد مطالعه) می توانند به موفقیت های مطلوب مورد نظر خود دست یابند.

به طور کلی می توان نتایج حاصل از این تحقیق را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. مهاجران نسبت به جامعه مبدأ از ثبات هیجانی کمتری برخوردار هستند.
۲. مهاجران برون گراتر از جامعه مبدأ هستند.
۳. مهاجران نسبت به جامعه مبدأ سلطه پذیرتر هستند.
۴. مهاجران نسبت به جامعه مبدأ از اعتماد به نفس کمتری برخوردار هستند.
۵. مهاجران اجتماعی تر از جامعه مبدأ می باشند.

پی‌نوشت:

۱. اورت. اس. لی. یک نظریه مهاجرت بیژن زارع، نظریات مهاجرت، عبدالعلی لهایی‌زاده (گردآورنده) ص ۶۳.
۲. کلس آدرین مهاجرت، رشد جمعیت و توسعه سعیدکیا کجوری ص ۳۴.
۳. تودارو چنین استدلال می‌کنند که تصمیم به مهاجرت باید براساس محاسبه درآمد دایمی تبیین شود. اگر شخص مهاجر پیش‌بینی کند که در دوره اولیه احتمال یافتن شغل مزدگیری منظم نسبتاً کم است، اما، انتظار داشته باشد که این احتمال، طی زمان، همراه با توانایش برای گسترش تماسهای شهری افزایش پیدا می‌کند، در این صورت، حتی اگر درآمد شهری مورد انتظار طی دوره‌های اولیه از درآمد روستایی کمتر باشد بازهم مهاجرت برای او عقلانی خواهد بود. ر. ک. تودارو، مایکل مهاجرت‌های داخلی در کشورهای درحال توسعه. ص ۳۷.
۴. - Shaw R.P. Migration theory and Fact, United Nations 1975.
- Connell, and other. Migration from Rural Areas 1976.
۵. در این زمینه، تودارو می‌نویسد: آشکار است که یک مهاجر روستایی همچون یک اقتصاددان از نرخهای بیکاری در شهر اطلاع دقیق ندارد. حتی اگر، فرض شود از میانگین درآمدهای شهری اطلاع داشته باشد، او یک تصور کلی از وضعیت اشتغال در شهر دارد و براساس این تصور کلی مبهم عمل می‌کند. در چنین حالتی، طبیعی است که کسانی که خطر جو و کمتر محافظه کار بوده و برخی شرایط خاص روحی و روانی را دارند، حاضرند، حتی، در احتمال پایین‌تر موفقیت اقدام به مهاجرت کنند. ر. ک. تودارو «مهاجرت‌های داخلی در کشورهای درحال توسعه» ص ۳۷.
۶. Aldoux Haxley.
۷. پتیه، ژان «مهاجرت روستاییان» محمد مؤمنی کاشی ص ۷۱.
۸. همان مأخذ، ص ۷۲.
۹. Rorchach.
۱۰. Eysenck.
۱۱. اسینک، اچ. جی و ویلسون. کلن: خودشناسی، شهاب، قهرمان، انتشارات شباویز، ۱۳۶۳.
۱۲. Bernreater.
۱۳. برای اطلاع بیشتر ر. ک. گنجی حمزه، آزمونهای روانی، مبانی نظری و علمی، بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۷ ص ۵۲۳ - ۵۲۹.
۱۴. Sesuffirea soi- meme.
۱۵. Temdemce mervrotique.

۱۶. برای اطلاع بیشتر از نرم مربوط به آمریکا ر. ک. نعمت... پاک گوهر (مترجم) راهنمای تست ارزشیابی شخصیت برن ریتر، موسسه روانشناسی دانشگاه تهران.

۱۷. G.G. Yuny.

۱۸. در فرهنگ علوم رفتاری حالت‌های اسکیز و فرنی (Schizophrenia) و هیستری (Hysteria) بدین صورت تعریف شده است. اسکیز و فرنی (فروریختگی عقلی، جنون جوانی)، یکی از انواع مهم دیوانگی است که صفت مشخص آن کند شدن و انحراف عواطف، پیدایش اختلال در روندها و روابط فکری و قطع تمایل با دنیای واقعی است. این اصطلاح را نخستین بار بلولر (E. Bleuler) روانپزشک سویسی در ۱۹۱۱ به کار برد. هیستری نام قدیمی یکی از اختلال‌های عصبی است که شامل واکنش‌های «جانشین سازی» یا «جبران» و «افتراقی» عصبی است. به‌طور کلی، مربوط به پیدا شدن علایم اختلال در اعضای گوناگون بدن است، در صورتی که هیچ‌گونه ضایعه عضوی واقعی وجود ندارد. ر. ک. علی‌اکبر شعاری‌نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.

۱۹. سیاسی، علی‌اکبر: نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، ص، ۸۳.

۲۱. W.H. Sheldon.

۲۲. سربروتونیا (Cerebrotonia) و سوماتوتونیا (Somatotonia) واژه‌هایی هستند که روانشناس آمریکایی شلدون در طبقه‌بندی ریخت‌شناسی خود به کار برد. او بر این باور بود که بین عقل ظاهری افراد و خوی آنها ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. بر همین مبنا او انسانها را به لحاظ ظاهری به سه دسته تقسیم کرده و برای هر کدام سه گروه مشخص از صفات شخصیتی را قایل شد. در این طبقه‌بندی افراد سوماتوتون دارای بدنی عضلانی و قدرتمند هستند. این افراد از لحاظ شخصیتی برونگرا بوده و ماجراجویی و خطر کردن را دوست دارند. برعکس، افراد سربروتونیک از نظر بدنی ضعیف و لاغراندام بوده و به لحاظ شخصیتی درونگرا می‌باشند. این افراد بیان سمبولیک رابه‌عمل مستقیم ترجیح می‌دهند و با تمایلی که نسبت به گوشه‌گیری و تنهایی دارند از شرکت در محافل اجتماعی و از جمعیت و مردم گریزان هستند. برای اطلاع بیشتر ر. ک. هوشیار رزم‌آما، فرهنگ روانشناسی، انتشارات علمی چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.

۲۳. ترمان ل. مان: اصول روانشناسی، محمود رضاعی. ص. ص ۲۵۱-۲۵۳.

۲۴. Fugue.

۲۵. Amnesia.

۲۶. مقدار این همبستگی در راهنمای تست ۰/۶ گزارش شده است.

۲۷. حمزه گنجی ص ۵۲۵.